

Typology of the fields of the decline of civilizations in Seyyed Jamal's interpretive approach

Somayeh Borzoo Isfahani *

Received on: 20/07/2024

Roohollah Shahidi **

Accepted on: 25/11/2024

Ali Rad ***

Abstract

Purpose: The purpose of this research is to re-read the verses of the Quran and the interpretive data found in Seyyed Jamal's writings. This study aims to achieve his interpretive approach regarding the foundations and roots of the decline of civilizations and to categorize these factors.

Methodology: The current research is a qualitative study that analyzes the citations and opinions of Seyyed Jamal across his various works using a descriptive and analytical approach.

Findings: The research findings can be summarized in several key points.

1. Seyyed Jamal believes that faith in the superior religion, Islam, along with adherence to its principles and commandments, provides a reliable means of understanding God's laws and traditions. This understanding is essential for the advancement or decline of civilizations and guides the nation toward perfection.
2. Seyed Jamal believes that the possession of rationality, wisdom, and hope, along with the achievement of virtues in both individual and social contexts, emerges from the foundation of knowledge, belief, and practice of Islam.

* Ph.D student in Quran and Hadith Sciences, Farabi College, University of Tehran, Qom, Iran.

somaye.borzoo@ut.ac.ir

 0009-0006-7760-4453

** Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Farabi College, University of Tehran, Qom, Iran. (Corresponding Author).

shahidi@ut.ac.ir

 0000-0002-2951-2291

*** Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Farabi College, University of Tehran, Qom, Iran.

ali.rad@ut.ac.ir

 0000-0001-9430-2795



Consequently, God's support includes the Ummah, and His promises are fulfilled. This process leads to excellence.

3. According to Seyyed Jamal, the distance people maintain from the beliefs and teachings of religion is one of the fundamental factors contributing to the decline of nations. This detachment from religious teachings, coupled with materialism, leads to a disconnection from rationality, wisdom, and hope, while also fostering moral vices in both personal and social spheres. This phenomenon not only serves as a primary cause of civilizational decline but also perpetuates the notion of divine change from favorable to unfavorable conditions within the nation.
4. In his various writings, Seyyed Jamal depicts the chaotic and deteriorating conditions of Muslims and analyzes the primary reason for this decline: a departure from the principles and teachings of Islam, coupled with the rise of heresy that lacks any foundation in the religion. He views the Muslims of his time as examples of how the tradition of change has affected them.

Conclusion: The areas of degeneration in Seyyed Jamal's thought can be categorized into three types: fields of insight and knowledge, fields of action and behavior, and fields of communication and development. According to Seyyed Jamal, one of the primary reasons for the decline of civilizations is the deviation from religious principles and teachings by the people of the nation. This deviation represents a significant area of insight and knowledge, leading to a shift in divine favor, resulting in unfavorable conditions for that nation. Additionally, this factor will lead to the emergence of other areas of degeneration, such as division and discord, weakness and apathy, straying from the path of moderation, and placing trust in strangers. The shortcomings of religious leaders and the imprudence of rulers are also fundamental causes of degeneration, which can be seen as propagandistic in nature. By neglecting their responsibilities, these groups contribute significantly to the estrangement of individuals from religion and the deterioration of civilizations.

Keywords: Seyyed Jamaluddin Asadabadi, Degeneration, Civilization, Typology, Interpretive approach.

گونه‌شناسی زمینه‌های انحطاط تمدن‌ها در رهیافت تفسیری سید جمال

سمیه برزو اصفهانی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۳۰

روح‌الله شهیدی**

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۵

علی راد***

چکیده

سید جمال‌الدین اسدآبادی تفسیر مستقل از خود بر جای نگذاشت، اما از شخصیت‌های اثربخش بر مفسران پسین و آغازگر گرایش اجتماعی و عصری در دانش تفسیر است. آثار سید روشن می‌سازد، پرسش از زمینه‌های انحطاط تمدن‌ها و راهکار برون‌رفت از آن از پرسش‌های بنیادین در اندیشه او بود و در پی آن بود که پاسخ این پرسش‌ها را از آیات قرآن بیاید. این پژوهش ازجمله پژوهش‌های کیفی است که با روش توصیفی تحلیلی انجام گرفت و تلاش دارد با بازخوانی آیات قرآن و داده‌های تفسیری در نگاشته‌های سید جمال به رهیافت تفسیری او در باب زمینه‌ها و ریشه‌های انحطاط تمدن‌ها دست یابد و آن‌ها را گونه‌شناسی نماید. بر پایه دستاورد پژوهش می‌توان زمینه‌های انحطاط در اندیشه اسدآبادی را در سه گونه زمینه‌های بینشی و معرفتی، کنشی و رفتاری و تبلیغی و توسعه‌ای صورت‌بندی نمود. از مهم‌ترین زمینه‌های انحطاط تمدن‌ها نزد سید جمال انحراف از اندیشه‌ها و آموزه‌های دین از سوی افراد امت است که از زمینه‌های بینشی و معرفتی به شمار می‌آید و سبب می‌شود سنت تغییر از سوی خداوند از لحاظ شرایط مطلوب به نامطلوب بر چنین امتی جاری شود؛ همچنین این عامل سبب پیدایش دیگر زمینه‌های انحطاط ازجمله تفرقه و اختلاف، ضعف و سستی، خروج از مسیر اعتدال، اعتماد و تکیه بر بیگانگان خواهد شد. کوتاهی حاملان دین و حاکمان بی‌تدبیر از دیگر زمینه‌های بنیادین انحطاط هستند که از زمینه‌های تبلیغی به شمار می‌آیند. این گروه‌ها با کوتاهی در وظایف خود نقش فزونی‌تری در انحراف مردمان از دین و انحطاط تمدن‌ها ایفا می‌کنند.

کلمات کلیدی: سید جمال‌الدین اسدآبادی، انحطاط، تمدن، گونه‌شناسی، رهیافت تفسیری.

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشکده گان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران.

 0009-0006-7760-4453

somaye.borzoo@ut.ac.ir

** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده گان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران. (نویسنده مسئول).

 0000-0002-2951-2291

shahidi@ut.ac.ir

*** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده گان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران.

 0000-0001-9430-2795

ali.rad@ut.ac.ir



بیان مسئله

سید جمال‌الدین اسدآبادی از شخصیت‌های طراز اول روزگار ماست که از او با عنوان پایه‌گذار فلسفه تاریخ در ایران، (قدیمی قیداری، ۱۳۹۰، ص ۱۳۵) و آغازگر گرایش‌های اجتماعی، عصری و هدایتی و تربیتی و عقلانیت در دانش تفسیر (طیب‌حسینی، ۱۳۹۶، صص ۳۹۳-۴۰۳ و ۵۴۴-۵۴۵) یاد می‌کنند. او نقطه عطفی در روزگار خود به شمار می‌آید و اندیشه‌های او تأثیری شگرف بر مفسران، اندیشمندان و جریان‌های اصلاحی در دوره‌های پسین بر جای گذاشت، براین‌اساس بازسازی منظومه فکری و اندیشه‌های او از اهمیت فراوان برخوردار است.

در روزگار اسدآبادی هم مسلمانان وضعیت نابسامانی داشتند و هم با رشد همه‌جانبه غرب روبه‌رو شدند. جوامع غربی نیز از همه جوانب فکری، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به مسلمانان یورش بردند. برخی روشنفکران علت وضعیت آشفته مسلمانان را دین اسلام معرفی می‌کردند و برخی دیگر در پی هماهنگ ساختن آموزه‌های دین اسلام با علوم غربی بودند (جعفری موحد، ۱۳۹۵، ص ۱۳۴). در این میان، سید جمال علت این چالش و بحران را خود مسلمانان و جدایی آن‌ها از روح فلسفی، حکمت، عقلانیت و فضایل اخلاقی و به‌طورکلی دوری از آموزه‌های اسلامی معرفی می‌کند و راهکار را در بازگشت به آموزه‌های قرآن می‌داند.

نگاشته‌های سید جمال نشان می‌دهند انتظار او از دین اسلام و قرآن این است که همه‌جا و در همه زمان‌ها پاسخگوی پرسش‌ها و چالش‌های مسلمانان باشد؛ همچنین این نگاشته‌ها حاکی از آن است که پرسش از زمینه‌ها و ریشه‌های انحطاط تمدن‌ها و راهکار برون‌رفت از آن از پرسش‌های بنیادین در اندیشه و منظومه فکری اوست که در نگاشته‌های گوناگون به شکل‌های متفاوت از آن سخن می‌گوید.

پرسش اصلی این پژوهش دستیابی به رهیافت تفسیری سید جمال در باب زمینه‌های انحطاط تمدن‌ها و گونه‌شناسی آن است که از طریق توصیف و تحلیل استناداتش به آیات قرآن و داده‌های تفسیری در نگاشته‌هایش به‌ویژه در مجموعه مقالات *عروة الوثقی* صورت گرفته است.

۱. پیشینه پژوهش

باوجود پژوهش‌های پر دامنه‌ای در ابعاد مختلف اندیشه‌ای، شناسایی شخصیت و حیات سید

جمال جریان‌سازی، دفاع یا انتقاد از دیدگاه‌هایش به رشته تحریر درآمده است، پژوهش دربارهٔ اسباب انحطاط تمدن‌ها در منظومهٔ فکری سید جمال فراوانی چندانی ندارد. این در حالی است که می‌توان با رویکردهای متفاوت همچون جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، فلسفهٔ تاریخ و فهم و تفسیر قرآن نگاشته‌های سید جمال را دربارهٔ انحطاط بازخوانی کرد و عوامل انحطاط را با توجه به آن رویکرد بازیافت. پژوهش‌های صورت گرفته در این باره همراه با بیان رویکرد آن در جدولی که در ادامه ملاحظه می‌کنید، آمده است.

جدول ۱. رویکرد ویافته‌های پژوهش‌های پیشین

عنوان پژوهش و رویکرد	نویسندگان، سال پژوهش	یافته‌های پژوهش
علل و عوامل ضعف و انحطاط مسلمین در اندیشهٔ سیاسی و آرای اصلاحی سید جمال‌الدین اسدآبادی رویکرد: سیاسی	(موققی، ۱۳۷۳)	این کتاب در سه فصل نوسازی و اصلاح دینی، علل و عوامل ضعف و انحطاط مسلمین و دردهای جامعهٔ اسلامی و درمان‌ها و راه علاج دردها را از دیدگاه سید جمال بیان کرده است.
نظریهٔ انحطاط و اصول شش‌گانهٔ تکامل انسانی از نظر سید جمال‌الدین اسدآبادی رویکرد: جامعه‌شناسی	(کافی، ۱۳۸۸)	در اندیشهٔ سید جمال براساس «قصر مُستندس الشکل سعادت انسانی» انحطاط عاملی درونی و فرهنگی است و استبداد و عوامل بیرونی نقشی فرعی دارند. سید به دنبال دستیابی به نتایج کلی و قابل تعمیم است. اخلاق و عقاید که از عوامل فرهنگی به شمار می‌آیند، در تقدیر تاریخی ملت‌ها نقش بنیادین دارد و تکامل و انحطاط آن‌ها به سلامت یا فساد عقیده و اخلاق بسته است. در نگاه او تغییر روحی فکری و اخلاقی و فرهنگی مردم، تغییر نظام استبداد و سیاسی را در پی خواهد داشت و این یک قانون و سنت الهی است که در همهٔ امت‌ها جریان دارد.

ادامه جدول ۱. رویکرد ویافته‌های پژوهش‌های پیشین

عنوان پژوهش و رویکرد	نویسندگان، سال پژوهش	یافته‌های پژوهش
ریشه‌های انحطاط و توسعه جوامع اسلامی از دیدگاه سید جمال‌الدین اسدآبادی رویکرد: سیاسی	(جعفری موحد، ۱۳۹۵)	این نوشتار بر پایه الگوی جستاری «نظریه بحران» توماس اسپریگنز انجام شده است. سید جمال بر این باور بود که تکامل یا انحطاط امت‌ها حاصل کار و تلاش یا رخوت و سستی و جدا شدن از عقاید و باورهای اسلامی است و راهکار اصلی برای این بحران بازگشت به آموزه‌های اسلام اصیل است.
بررسی علل ضعف و انحطاط مسلمین از دیدگاه سید جمال‌الدین اسدآبادی و میرزای نائینی رویکرد: مطالعات اجتماعی	(رحیمی (روشن) و رحمتی، ۱۳۹۷)	نویسندگان باور دارند که مهم‌ترین دلایل ضعف و انحطاط جهان اسلام در اندیشه سید جمال و میرزای نائینی استبداد حکومت‌های مرکزی، استعمار و دخالت بیگانگان، جهل و نبود آگاهی در میان مردم معرفی شده است.
سید جمال‌الدین اسدآبادی و رویکردهای تازه‌تر به تاریخ و تاریخ‌نویسی رویکرد: فلسفه تاریخ	(قدیمی قیداری، ۱۳۹۰)	بر پایه این پژوهش سید جمال فلسفه تاریخ را در ایران ابداع کرد. سیر مدنیت، تاریخ تمدن و فرهنگ و ژرف‌نگری در اسباب ترقی و انحطاط جوامع موضوع این علم نزد اوست. او دانش تاریخ را در اندیشه‌ها، هدف‌های سیاسی و اجتماعی و اصلاح جامعه‌اش به کار گرفت.
تلقی غلط از جاهلیت در نو سلفیه و نقش آن در عدم فهم تمدن اسلامی رویکرد: اجتماعی	(مظاهری و پیشوایی، ۲۰۱۹)	در این پژوهش سید جمال و پیروان او، منادیان انحطاط تمدن اسلامی به شمار می‌آیند. از نگاه نویسندگان سید جمال و پیروان او جاهلیت و بازگشت اخلاقی و کنشی مسلمانان را به روزگار پیشا اسلام سبب انحطاط تمدن اسلامی می‌دانند. نویسندگان این دیدگاه را در دایره نقد قرار می‌دهند و آن را برای تمدن اسلامی آسیب‌زا معرفی می‌کنند.
واکنشی اسلامی به امپریالیسم: بررسی اندیشه‌های سیاسی و مذهبی سید جمال‌الدین اسدآبادی	(کدی، ۱۳۹۶)	این کتاب اندیشه‌های سید جمال و کارل مارکس را که در یک زمان می‌زیستند، می‌کاود. برای دستیابی به تعالی کارل مارکس اصالت را به مبارزه طبقاتی می‌دهد و به دین و اخلاق توجهی ندارد، این در حالی است که سید جمال آشکارا با توسل به دین و اخلاق به مبارزه با ماتریالیست برمی‌خیزد.

جدول پیشینه روشن می‌سازد پژوهش‌های بالا از نظر رویکرد، با این پژوهش تفاوت دارند و پژوهشی درباره انحطاط در اندیشه سید جمال‌الدین اسدآبادی با رهیافت تفسیری صورت نیافته است و این وجه تمایز این نوشتار با پژوهش‌های پیشین است. این در حالی است که از یک‌سو سید جمال در نگاشته‌های خود به‌ویژه در مقالات *عمود الوثقی* فراوان از آیات قرآن بهره برده و برای اندیشه‌های خود به آن استناد می‌کند، ازسوی دیگر چگونگی فهم و بهره‌او از آیات قرآن به‌دلیل اثرپذیری مفسران و اندیشمندان پسین از او اهمیت فراوان دارد. این پژوهش با بازخوانی و استخراج آیات قرآن در نگاشته‌های سید جمال بر آن است که چگونگی فهم و تفسیر سید جمال را از آیات قرآن درباره زمینه‌های انحطاط تمدن‌ها باز یابد و در پی ارزیابی و نقد نظریه او نیست.

۲. چارچوب مفهومی پژوهش

تمدن، انحطاط و سنن الهی از مفاهیم پایه این پژوهش هستند. از آنجاکه تعاریف مختلفی برای هریک از آن‌ها یافت می‌شود، تعریف معیار از این مفاهیم در این بخش خواهد آمد.

۱-۲. تمدن

مفهوم تمدن گستردگی فراوانی دارد و آن را به گونه‌های مختلف تعریف کرده‌اند؛ چراکه مفهوم تمدن از یک‌سو دارای ابعاد مختلفی است و از دیگر سو هر مکتبی بر بخش‌هایی از آن تأکید دارند. براساس این پژوهش و نگاشته‌های سید جمال تعریف پیش رو از تمدن به‌عنوان تعریف معیار برای این پژوهش در نظر گرفته می‌شود: «وضعیت ایمن، پویا و بالنده که در آن ابعاد مختلف حیات بشری اعم از فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، علمی، هنری و مادی شکوفا می‌شود و انسان‌ها در هریک از این زمینه‌های دست به تولید و خلاقیت می‌زنند» (مظاهری، ۱۳۹۳، ص ۱۳۲).

۲-۲. انحطاط

انحطاط مفهومی نسبی و مقایسه‌ای است و هنگامی تصور می‌شود که دو فرد یا دو گروه در دو حالت متفاوت اوج و ایستادگی و فروافتادگی و پستی با یکدیگر مقایسه شوند (جهانبخش ثواقب، ۱۴۰۱، ص ۱۹۵). انحطاط در اصطلاح به معنای افول از شرایط کمال جامعه است که سبب زوال و سقوط ارزش‌ها در آن جامعه خواهد شد (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۳، ص ۱۶۴).

۳-۲. سنن الهی

مقصود از سنت‌های الهی همان قانونمندی تاریخ و تمدن و نشانگر قوانین، تدابیر و سازماندهی الهی است و رابطهٔ تکوینی میان پدیده‌های اجتماعی، تاریخی و تمدنی را آشکار می‌سازد (دانشکیا، ۲۰۲۳، ص ۱۸۲).

۴-۲. سنت تغییر

سنت تغییر یکی از قوانین الهی است که بر فراز «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱) استوار است. این فراز جمله‌ای شرطی است و نشان از اراده انسان در تغییر حرکت تاریخ دارد. خداوند سرنوشت یک قوم را به شرط تغییر خود آن‌ها دگرگون می‌سازد (صدر، ۱۴۰۹، ص ۱۰۶).

سید جمال از این سنت به عنوان یکی از زمینه‌های اصلی انحطاط امت‌ها سخن می‌گوید. تغییر از نگاه سید جمال دگرگون شدن شرایط از وضعیت مطلوب به سوی وضعیت نامطلوب است که به سبب دوری افراد جامعه از باورها و ارزش‌های دینی توسط خداوند صورت می‌گیرد.

۵-۲. رهیافت تفسیری

مقصود از رهیافت تفسیری، بازیابی، بازخوانی، توصیف و تحلیل داده‌های تفسیری و آیات قرآن در نگاشته‌های سید جمال است تا نشان دهیم نویسنده چگونه با استناد به آیات قرآن، زمینه‌های انحطاط تمدن‌ها را از آیات قرآن استخراج می‌نماید.

۳. روش تحقیق

این پژوهش از جمله پژوهش‌های کیفی است که با روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته و تلاش دارد با بازخوانی آیات قرآن و داده‌های تفسیری در نگاشته‌های سید جمال به رهیافت تفسیری او در باب زمینه‌ها و ریشه‌های انحطاط تمدن‌ها دست یابد و آن‌ها را گونه‌شناسی نماید.

۴. زمینه‌های انحطاط امت‌ها

زمینه‌های انحطاط در اندیشهٔ سید جمال را می‌توان در ساحت‌های بینشی و معرفتی، رفتاری و

کنشی، تبلیغی و توسعه‌ای بخش‌بندی نمود.

۱-۴. زمینه‌های بینشی و معرفتی

در باور سید جمال اندیشه‌ورزی، بهره‌جویی از عقل و حکمت، آگاهی‌های صحیح و امیدواری که با دین برتر حاصل می‌شود؛ نقشی مهم در ترقی امت‌ها دارد و کمبود هرکدام از آن‌ها، امت‌ها را با چالش جدی روبه‌رو می‌سازد.

۱-۱-۴. ناآگاهی از قانونمندی تاریخ و سنت‌های الهی

صعود، فروپاشی، تبدیل و تغییر امت‌ها در اندیشه اسدآبادی قانونمند است. او در این موضوع سه گونه از آیات قرآن بهره می‌گیرد. آیات سنت‌های الهی گونه نخست است که نویسنده برای بیان قانونمندی تاریخ و تبیین نقش دین در تمدن امت‌ها از آن بهره می‌گیرد. نگاشته «ماضی الامه و حاضرهما و علاج عللها» با آیه «سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ يَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (احزاب: ۶۲) آغاز شده است و بر آن است تا در این مقاله دوران شکوهمند آغازین مسلمانان و شرایط نابسامان امروز آن‌ها را براساس عمل یا ترک قوانین دین و وقوع بدعت که اصل و اساسی در دین ندارد، تحلیل کند (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ع، صص ۱۰۷-۱۱۵). در نگاشته‌ای دیگر با استناد به این آیه از سنت‌های ثابت الهی سخن می‌گوید. بر پایه این سنت بقا و رشد امت‌ها با آراسته شدن به فضایل و انحطاط آن‌ها با خالی شدن از فضایل رقم می‌خورد و در این میان دین اساس و پایه دستیابی به فضایل است (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ک، ص ۲۱۳؛ اسدآبادی، ۱۴۲۳ب، ص ۲۴۰).

آیات «سیر در زمین» محور دیگر استفاده از آیات در باب قانونمندی تاریخ است. نویسنده نگاشته «اسباب حفظ الملک» را با آیات «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونُ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَ لَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ» (حج: ۴۶) «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» (انعام: ۱۱) آغاز می‌کند و بر آن است تا در این مقاله سبب‌های نگهداری و حفظ یا فروپاشی حکومت‌ها را بیان نماید. اهمیت این اسباب تا بدان جاست که کوتاهی در هریک از آن‌ها پایه‌های حکومت‌ها را ناستوار کرده و مقدمات فروپاشی آن‌ها را فراهم خواهد ساخت. در باور او مطالعه و سیر تاریخ اثبات‌کننده نقش بنیادین دین در کمال و سعادت بشر است و نشان می‌دهد اطاعت از دستورات الهی که شرایع از آن خبر می‌دهند، رستگاری در

دنیا و آخرت را به دنبال دارد. نافرمانی از دستورات الهی، ارتکاب حرام و انحراف از شرایع و تحریف آن ستم به خود است که سبب نزول بلا و فروپاشی خواهد شد (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ الف، صص ۲۰۰-۲۰۱). اسدآبادی هنگام بیان علل انحطاط امت‌ها در مقاله «فضایل و رذایل» با استناد به آیه «قُلْ سِرُّوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ» (روم: ۴۲) از نقش اساسی دوری از آموزه‌های دین در انحطاط تمدن‌ها سخن می‌گوید؛ چرا که سبب غفلت، دوری از عقل و بصیرت، حاکم شدن شهوات حیوانی و نیازهای معیشتی و آلوده شدن به رذایل می‌شود (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ ان، ص ۱۵۴).

خداشناسی در پرتو قانونمندی تاریخ از دیگر محورهای بهره‌گیری از آیات قرآن توسط سید جمال است. این مصلح اجتماعی، راه نداشتن ظلم در ساحت کبریایی الهی را براین اساس تحلیل می‌کند و از فراز «و لَا يَظْلِمُ رُبُّكَ أَحَدًا» (کهف: ۴۹) به عنوان شاهد بر مطلب بهره می‌برد. خداوند حکیمی که رحمت او بر خشم او پیشی گرفته است، برای هر حادثه‌ای در جهان هستی سببی قرار داده و هیچ عملی از سوی او بدون علت و بیهوده نیست. سیر در زمین نیز نشان می‌دهد قضای الهی حق و حکم او عادلانه است خداوند بر پایه حکمت و عدل خود اقوامی را هلاک می‌گرداند و به اقوام دیگر تبدیل می‌کند و به هیچ‌کس ستم نمی‌کند (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ الف، ص ۲۰۰).

در باور نویسندۀ آیات سیر در زمین، بشر را به پی‌جویی و فراگیری اسباب و علت‌های صعود، فروپاشی و تبدیل امت‌ها فرامی‌خواند و از انسان می‌خواهد از این طریق به عدل الهی دست یابد. سیر در زمین نشان از راه نیافتن ظلم در ساحت الهی دارد و روشن می‌سازد، چگونگی عملکرد افراد در امت‌ها، چگونگی کمال یا انحطاط امت‌ها را رقم خواهد زد و تنها با آگاهی و عمل به دستورات دین می‌توان به تعالی دست یافت.

۴-۱-۲. انحراف از دین و بی‌توجهی به سنت تغییر و پیامدهای آن

سید جمال در نگاشته‌های خود به شکل‌های گوناگون برای اثبات پابندی یا انحراف از دین برتر در تعالی یا انحطاط تمدن‌ها از آیات قرآن بهره می‌گیرد. گاه تنها نقش بنیادین دین در تعالی یا انحطاط تمدن‌ها را با بیان آیات ذکر و تذکر، سیر در زمین، سنت‌های الهی یادآور می‌شود که دو گونه اخیر درزمینه پیشین از آن سخن رفت. گاه از دوری از آموزه‌های دین، سنت تغییر و نقش آن

در انحطاط امت‌ها سخن می‌گوید.

الف. آیات ذکر و تذکر

آیات ذکر و تذکر گونه‌ای از آیات است که نویسنده برای اثبات این ادعا از آن‌ها بهره می‌گیرد. آیه «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَ هُوَ شَهِيدٌ» (ق: ۳۷) سرآغاز مقاله «النصرانية و الإسلام وأهلها» است. این مقاله از تغییر روش مسلمانان و مسیحیان سخن می‌گوید که سبب انحطاط مسلمانان و ترقی مسیحیان شد. گویا نویسنده در این مقاله دو نکته را از مصادیق ذکر به شمار می‌آورد. نخست: نقش بنیادین دین در دستیابی به تربیت نیکو و شکوه و نقش انحراف از آموزه‌های دین در دستیابی به انحطاط، دوم: اکتسابی بودن دستیابی به کمال یا انحطاط در امت‌ها (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ه، صص ۱۱۶-۱۲۱). این گونه برداشت از آیه و مفهوم ذکر گویای این مطلب است که نویسنده به آیه پیشین «وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْإِلَادِ هَلْ مِنْ مَخِصٍ» (ق: ۳۶) توجه داشته است.

آیه «وَوَدَّعَزَّزْنَا الدَّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ» (ذاریات: ۵۵) در آغاز نگاشته «فضایل و رذایل و اثرها» آمده است که فرمان به تذکر و یادآوری می‌دهد. گویی سید جمال بر آن است که مصادیقی از تذکر سودمند برای مؤمنین را یادآوری کند. مطالب او در این نگاشته به گونه‌های گوناگون از نقش دین در تمدن و کمال امت‌ها و پیامدهای بی‌دینی و نقش آن در انحطاط امت‌ها سخن می‌گوید (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ان، صص ۱۴۶-۱۵۶).

ب. آیات تغییر

در منظومه فکری سید جمال بر پایه آیات قرآن، سنت‌های الهی تغییرناپذیر است و سبب شرایط نابسامان مسلمانان، وعده‌های پیروزی و نصرت خداوند به مسلمانان نیست، بلکه تغییر روش و عملکرد آنان، کوتاهی و انحراف آن‌ها از فرمان‌های اسلام، این شرایط نابسامان را پدید آورده است. سید جمال، مسلمانان معاصر خود را مصداقی از تغییر شرایط امت از حالت مطلوب به نامطلوب و جاری شدن سنت تغییر الهی می‌داند (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ک، صص ۲۱۲-۲۱۳). در باور نویسنده سلامت عقیده و رفتار، عقلانیت و حکمت در سایه باور و عمل به آموزه‌های دین پدید می‌آید، لذا اگر افراد از آموزه‌های دین فاصله گیرند، به گمراهی، فاصله از عقلانیت و حکمت، فساد عقیده و اخلاق مبتلا می‌گردند، در این صورت خداوند شرایط مساعد آن‌ها را به

شرایط نامساعد تغییر خواهد داد و این همان «سنت تغییر» است.

سید جمال در نگاشته‌های گوناگون برای اثبات این ادعا به فرازهای «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱) «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (انفال: ۵۳) «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ» (شوری: ۳۰) استناد می‌کند و آن‌ها را نظیر یکدیگر و از سنت‌های الهی می‌داند که بر مسلمان روزگارش جاری شده‌اند. در توضیح فزون‌تر معنای نظیر باید گفت که در اندیشه نویسنده این سه فراز با یکدیگر رابطه معنایی دارند و یکدیگر را تبیین می‌کنند.

چنین می‌نماید آیات ۱۱ سوره رعد و ۵۳ سوره انفال در منظومه فکری سید جمال نقش بنیادین دارد، چراکه هم نوشته‌ای مستقل با عنوان «سنن الله فی الأمم و تطبیقها علی المسلمین» پیرامون این آیات وجود دارد و مستقیماً در تفسیر المنار ذیل آیه ۵۳ سوره انفال گزارش شده است (اسدآبادی، ۱۴۲۳ الف، ص ۲۳۸؛ اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ ک، ص ۲۱۱؛ رشید رضا، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۴۱) و هم براساس جست‌وجوی این پژوهش از پرتکرارترین فرازها در نگاشته‌های سید جمال هستند.

به گزارش رشیدرضا مقاله پیش‌گفته با راهنمایی سید جمال‌الدین اسدآبادی و به قلم محمد عبده به رشته تحریر درآمده است. رشیدرضا در آغاز نقل این نگاشته، از تفاوت فهم این آیات توسط محمد عبده و استادش سید جمال با تفاسیر پیشین سخن می‌گوید و آن را از امتیازات نویسندگان به شمار می‌آورد که چگونه آن‌ها در تفسیر این آیات مقاله‌ای مستقل نگاشته‌اند و تفاسیر پیشین به چند سطر بدون بهره‌گیری از هدایت این آیات اکتفا کرده‌اند (رشیدرضا، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۴۱-۴۶).

در منظومه فکری نویسندگان تغییر در این فرازها تغییر از جهت مطلوب به نامطلوب است و توسط خداوند در امت‌ها صورت می‌گیرد، اما وقوع این سنت بدون علت و سبب نیست و تنها در صورت تغییر از سوی انسان، به وقوع می‌پیوندد. تغییر خداوند بدون تغییر انسان به معنای آن است که خداوند مخالف حکم خود با انسان رفتار کند و بی‌دلیل سنت‌های ثابت خود را دگرگون سازد. خداوند عزت، قدرت، رفاه، امنیت و راحتی در میان هیچ قومی را دگرگون نمی‌سازد مگر آنکه آن قوم از نور عقل، صحت فکر و بصیرت فاصله گیرند.

در باور نویسندگان، مسلمانان معاصر مصداق این آیات هستند و شرایط نابسامان و آشفته آن‌ها حاصل عملکرد خودشان است؛ چراکه با انحراف از آموزه‌های دین از فضایل فاصله گرفتند و به رذایل آلوده شدند. خداوند بقای امت‌ها را در زینت یافتن به فضایل و انحطاط آن‌ها را در خالی شدن از فضایل و کسب رذایل قرار داده است. این سنت ثابتی است که با تغییر نسل‌ها دگرگون نخواهد شد (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ک، صص ۲۱۳-۲۱۵). شاید بتوان گفت سید جمال سنت‌های الهی، تحقق وعده‌های الهی، تغییر نامطلوب به سبب دوری از آموزه‌های دین و به دنبال آن انحراف از فضایل و کسب رذایل را در این مقاله به صورت تاریخی به نمایش درآورده است.

سید جمال در برخی دیگر از نگاشته‌های خود «نیچریه»^۱ و ماده‌گرایی را در بوته نقد می‌گذارد و با استناد به آیه ۱۱ سوره رعد علت شرایط روبه‌انحطاط و عقب‌ماندگی مسلمانان را باوجود تعالیم ارزشمند و والای دین اسلام، کوتاهی در انجام دستورات دین، خود مسلمانان و تغییر اندیشه و روش آن‌ها بیان کرده و در رویکرد نیچریه و ماده‌گرایی تحلیل می‌کند (اسدآبادی، ۱۴۲۳و، ص ۶۳؛ اسدآبادی، ۱۴۲۳ج، بخش فضایل دین اسلام، ص ۱۰۳). او در مقاله‌ای دیگر با استناد به فرازهای ۱۱ سوره رعد و ۳۰ سوره شوری از ضعف و سستی در مسلمانان سخن می‌گوید که به میزان انحراف آن‌ها از اعتدال در فضایل و اعمال بستگی دارد (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ن، صص ۱۵۴-۱۵۵). پیوند این دو فراز در این نگاشته نشان از ارتباط معنایی آن‌ها در باور نویسنده دارد.

نویسنده در مقاله «أسباب حفظ الملك» هم از اسباب حفظ امت‌ها و هم از عوامل انحطاط و فروپاشی آن‌ها بر پایه آیات قرآن سخن می‌گوید و پس از برشمردن اسباب حفظ و فروپاشی امت‌ها با بیان آیه ۵۳ سوره انفال نشان می‌دهد خداوند ظلم نمی‌کند و دولت‌ها با رعایت نکردن

.....
۱. نیچریه عنوان یکی از مقالات سید جمال به زبان فارسی است که محمد عبده آن را با عنوان «الرد علی الدهرین» به زبان عربی ترجمه کرده است. در باور نویسنده نیچر واژه انگلیسی و به معنای طبیعت، یک اندیشه ماده‌گرایانه و روش نیچریان همان شیوه دهریان است که سابقه‌ای دیرینه و کهن دارد و به قرن‌های سوم و چهارم پیش از میلاد حضرت مسیح (علیه السلام) در یونان بازمی‌گردد. نویسنده در این نوشتار تاریخیچه پیدایش این اندیشه را در ملت‌ها و ادیان گوناگون به تصویر می‌کشد و از مبانی و چگونگی عملکرد آن‌ها که سبب برانداختن ملت‌هاست، سخن می‌گوید.

اوامر و نواهی، پیروی از هوای نفس و گام‌های شیطان اسباب فروپاشی خود را فراهم می‌کند (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ الف، ص ۲۰۴). به دیگر سخن نویسنده از این آیه از یک‌سو برای اثبات عدالت خداوند بهره می‌گیرد و از سوی دیگر درصدد است اختیار امت‌ها را در دستیابی به کمال یا انحطاط اثبات کند و بشر را در سرنوشت خود کنشگر و نقش‌آفرین بنمایاند.

سید جمال در نگاشته «منافع الوفاق و مضار الشقاق» با استناد به آیه ۱۱ سوره رعد، سبب شرایط نابسامان مسلمانان را در اختلاف و تفرقه تحلیل می‌کند. او در آغاز نگاشته با طرح سؤال و عبارات انگیزشی صعود و نزول امت‌ها را دارای علت و سبب بیان می‌کند. در این مقاله سبب صعود امت‌ها بر پایه وحدت و اتحاد کلمه و نزول آن‌ها بر پایه تفرقه و اختلاف تحلیل شده است. از نگاه نویسنده امت‌ها تنها در صورتی به سعادت دست می‌یابند که در آن افراد چنان با یکدیگر اتحاد داشته باشند که گویی همانند اعضای یک بدن هستند. افراد در چنین جامعه‌ای ابتدا به سود کل می‌نگرند که سود اصلی و ذاتی است و سپس سود خود را در نظر می‌گیرند و آن را سود عرضی و ثانوی به شمار می‌آورند. افراد این جامعه به یکدیگر محبت دارند و سود و زیان سایر افراد همانند سود و زیان خود آن‌هاست. این امر سبب می‌شود، فساد اخلاق، شقاق و نفاق از میان برود و اخلاق اعتدال یابد؛ چراکه منشأ فساد اخلاق سخت‌گیری و دشمنی برای دستیابی به سود شخصی است که در این امت جایگاهی ندارد. در این گونه امت‌ها صنایع سودمند افزون می‌شود و علوم حقیقی و معارف صادقانه انتشار می‌یابد، به اوج مجد، ثروت راه می‌یابند و دیگر امت‌ها توان مقابله با آن‌ها و تجاوز به آن‌ها را ندارند. نویسنده، امت پیشین عرب و آغاز حکومت عثمانیان را مصداق امت‌های این چنین معرفی می‌کند. در مقابل تنها علت نزول امت‌ها اختلاف و نیستی اتحاد است. در امتی این چنین، هر فرد به خود می‌نگرد و تلاش می‌کند به منافع شخصی خود دست یابد. این امر افزایش نفاق و شقاق، انتشار دروغ، افترا و خیانت را به دنبال دارد، سبب پیدایش تبلی، ترس و وحشت می‌شود، همت‌ها را سست و افراد را ناامید می‌سازد، علوم و معارف از میان می‌رود و امت‌های بیگانه بر آن‌ها چیره می‌شود. سید جمال امت عرب و عثمانیان در روزگار خود را مصداق آن می‌داند که این امر در آغاز، سبب تقسیم سلطنت و سپس سبب نابودی آن‌ها گردید. او در پایان نگاشته آیه ۱۱ سوره رعد را شاهد بر بحث می‌آورد که بر پایه آن چگونگی عملکرد و کنش امت‌ها، چگونگی نزول یا صعود آن‌ها را رقم خواهد زد (اسدآبادی، ۱۴۲۳ ح، صص ۱۳۹-۱۴۲).

براساس آنچه گذشت می‌توان گفت سید جمال از آیات مورد بحث برای انحراف مسلمانان از فضایل و وحدت، گرایش به اندیشه نیچریه بهره می‌گیرد و این‌همه را بر پایه انحراف از آموزه‌های دین تحلیل می‌کند. این تغییر نامطلوب از سوی مسلمانان، براساس سنت تغییر الهی سبب دگرگونی وضعیت آن‌ها شده است.

۳-۱-۴. یاس و ناامیدی

یأس و ناامیدی که از عوامل انگیزشی به شمار می‌آید، از دیگر زمینه‌های بینشی انحطاط امت‌هاست. موضوع امید یا یأس در کمال یا سقوط تمدن‌ها نقشی اساسی دارند، چراکه تمدن‌ها در بسترهای بحرانی خود با نقاط بزرگ و عظیمی از دشواری‌ها روبه‌رو می‌شوند و گذر از این بحران‌ها تنها در سایه امید و ایمان امکان‌پذیر است (بابایی، ۲۰۱۹، ص ۲۰۹).

یأس بر پایه آیات قرآن با کفر و ضلالت رابطه مستقیم دارد. سید جمال براساس آیه «إِنَّهُ لَا يَأْسُ مِنَ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» (یوسف: ۸۷) کفر را یکی از دلایل ناامیدی در دستیابی به شرف و عزت بیان می‌کند. قنوط و یأس کفر نعمت‌های تکوینی الهی در وجود انسان است و پذیرش اهانت، تحقیر و سرانجام چیره شدن بیگانگان بر ملت‌های ناامید را در پی دارد. همچنین بر پایه آیه «مَنْ يَقْنُطْ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ» (حجر: ۵۶) از زبان حضرت ابراهیم (علیه السلام) قنوط و یأس از صفات گمراهان (ضالین) معرفی شده است و براساس فراز «فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ» (یونس: ۳۲) بین هدایت و گمراهی فاصله‌ای نیست (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳، صص ۱۶۹-۱۷۵).

در باور سید جمال بر پایه آیه «وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ» (رعد: ۳۳) هدایت در گروه ضالین راه ندارد. ضالین افرادی همانند آفتاب‌پرست معرفی شده‌اند که همیشه در حال تغییر رنگ و تغییر جهت هستند، روزی مسلمان، روزی شیعه، روزی وهابی هستند. او مصداق ضالین را برخی مدیران روزنامه‌های هند می‌داند که به دلیل خدمت به انگلیس، مقالات عروۃ الوثقی را تحریف کردند (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳، صص ۱۹۹).

۲-۴. زمینه‌های رفتاری و کنشی

این‌گونه زمینه‌ها معطوف به مقام عمل و اجرا هستند و در خارج تحقق می‌یابند.

۴-۲-۱. تفرقه و اختلاف

از زمینه‌های رفتاری مهم انحطاط امت‌ها در باور سید جمال تفرقه و اختلاف است. در اندیشه سید جمال تنازع و تغابن، سستی، ناتوانی و سقوط در دنیا و آخرت، به همراه دارد. سید جمال در نگاشته‌های گوناگون هم به آیات قرآن استناد می‌کند و هم مقتضیات اختلاف و تفرقه را برمی‌شمارد.

«وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳) (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ الف، ص ۲۰۱؛ اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ ح، ص ۱۲۲)

«وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِجْکُمْ» (انفال: ۴۶) (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ الف، ص ۲۰۱؛ اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ و، ص ۱۵۷).

«وَ لَا تُكُونُوا کَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَ اخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَ أُولَئِكَ هُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (آل عمران: ۱۰۵) عنوان مقاله‌ای از نویسنده است که در آن روابط روسیه، هند، ایران و افغانستان را بررسی می‌کند. روسیه به مرزهای هند رسیده و برای دسترسی به هند نیازمند همکاری ایران و افغانستان است. نویسنده این زمان را بهترین جایگاهی می‌داند که ایران و افغانستان می‌توانند بر پایه دین اسلام اختلافات را کنار بگذارند و با یکدیگر متحد شوند (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ ف، ص ۲۰۹).

۴-۲-۱. مقتضیات اختلاف

فرمان به وحدت و پرهیز از اختلاف و تفرقه از موضوعات پرتکرار در مقالات سید جمال است که هم مستقیماً فرمان به وحدت و پرهیز از اختلاف داده شده و هم غیرمستقیم مقتضیات این دو بیان شده است. در ادامه مقتضیات اختلاف و تفرقه بیان می‌شود که در نگاشته‌های گوناگون سید جمال از آن سخن رفته است.

الف. رها کردن فضایل و کسب رذایل

سید جمال کسب رذایل توسط افراد را سبب عداوت و دشمنی و تفرقه امت می‌داند و آیه «وَ کَذَٰلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَ هِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ» (هود: ۱۰۲) را شاهد بر این مطلب می‌آورد. چنین می‌نماید که در اندیشه سید جمال مقصود از ظلم در این آیه دستیابی به رذایل و مقصود از عذاب الیم هلاکت امت در دنیا است؛ هرچند تضادی با عواقب اخروی ندارد و می‌تواند

آثار نافرجام دنیوی و اخروی را دربرگیرد.

طبیعت هرکدام از صفات رذیله، تجاوز از حدود و تباه‌سازی حق است و سبب می‌شود فرد نتواند وظیفه خود را در برابر دیگران به انجام برساند. انسان به‌شکل فطری از کسانی که به حق او تعدی می‌کنند یا مانع رسیدن حق به او می‌شوند، بیزار است. این‌گونه این صفات اتحاد امت‌ها را از میان برمی‌دارند و اعضای آن‌ها را پراکنده می‌سازند. فساد در طبیعت امت و فروپاشی آن از درون راه را برای ورود و چیره شدن بیگانگان می‌گشاید. چنین امتی زوال یافته یا به امت دیگر تبدیل می‌شود. این‌گونه سنت خداوند در تبدیل و فنا امت‌ها جاری می‌گردد (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳، ص ۱۵۳).

ب. ترسو بودن

نگاشته «الجبن» درباره یکی از عوامل انحطاط و اسباب تفرقه سخن می‌گوید. در این نوشتار نویسنده ابتدا از حیرت‌زدگی افراد نادان در مواجهه با امور اعجاب‌انگیز سایر افراد انتقاد می‌کنند، چراکه برخی از آن‌ها امتیاز این افراد را معجزه می‌دانند و برخی دیگر دستیابی به این امتیازات را براساس تصادف تحلیل می‌کنند. علت این نگرش ناآگاهی و درک نکردن نظام اسباب در عالم هستی است. انسان حکیم خبیر آگاهی دارد که خداوند حکیم به‌واسطه موهبت عقل و توانایی معنوی، انسان را از سایر هستی ممتاز ساخته است و این دو، سبب انجام امور حیرت‌انگیز از سوی انسان می‌شود. تکالیف شرعی، مدح، ذم و عقاب و جزا براساس این دو پی‌ریزی می‌شود. خداوند توانایی‌های انسان را متناسب با فطرت او قرار داده و سرچشمه فضایل اعمال و استعداد دستیابی به کمال را در او آماده ساخته است.

پس از بیان قاعده کلی نویسنده به دنبال پاسخ به چالشی است که مسلمانان با آن روبه‌رو هستند. چرا مسلمانان باوجود میل فطری برای کمال از یک‌سو و آموزه‌های دین اسلام ازسوی دیگر، برای رسیدن به کمال به سرگردانی و کوتاهی در عمل مبتلا شده‌اند؟ آنان دچار رذیله ترس (جبن) شده‌اند. ترس و ترسو بودن از مقتضیات فروپاشی امت‌ها، از صفات رذیله و یکی از بیماری‌های روح است که مقاومت و توانایی حفظ را درون انسان از میان برمی‌دارد و از سبب‌های مهم آن خوف از مرگ است. جبن دام شیطان و سرچشمه رذایل همچون دروغ و نفاق و مانع دستیابی به رضایت الهی است. این رذیله تحمل ذلت و حقارت را برای انسان آسان می‌کند و

سستی اراده‌ها، بازماندن از اقدام و عمل، تفرقه، گسستن روابط امت‌ها و فروپاشی حکومت‌ها را به همراه دارد (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳، صص ۲۲۳-۲۲۶).

آیات مربوط به این موضوع را می‌توان در سه گونه جای داد. گونه نخست اعتقاد مسلمانان به حسابرسی اعمال در سرای دیگر است. نویسنده در بخشی از نوشتار غیرمستقیم به آیه «الْيَوْمَ نُحْزِرُ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ» (غافر: ۱۷) و مستقیماً به آیات «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ» (وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ) (زلزله: ۸-۷) اشاره می‌کند.

گونه دوم آیاتی هستند که حقیقت مرگ را یادآور می‌شوند که سرانجام هر فردی با آن روبه‌رو خواهد شد و آگاهی و اختیار نداشتن انسان از زمان و مکان مرگ را بازگو می‌کند: «وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَ مَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ» (لقمان: ۳۴) «أَيُّمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُشِيدَةٍ» (نساء: ۷۸) «كُلُّ إِنَّا لَمَوْتٌ أَلَّذِي تَقُولُونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ» (جمعه: ۸). نویسنده با بیان این آیات یادآور می‌شود که آگاهی از زمان مرگ و قدرت برگرفتن جان، تنها در انحصار قادر یکتاست. یقین به این مطلب ترس از مرگ را از انسان دور می‌سازد و سبب از بین رفتن صفت رذیله ترسو بودن می‌شود.

گونه سوم آیاتی هستند که مواجهه کافران و منافقان را هنگام دستور جهاد به نمایش درآورده‌اند و نترسیدن از مرگ تمایز و شاخصه ایمان بیان شده است. «أَمْ تَرَى إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَ قَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْ لَا أَخَّرْنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ...» (نساء: ۷۷) ترس برای انسان‌های دارای فطرت به‌ویژه برای ایمان آورندگان به خدا، پیامبران و روز بازپسین ننگ است. لذا مسلمانان بایستی از دورترین افراد به رذیله خوف از مرگ باشند و هنگام نیاز به جهاد خود را مهیا و حاضر سازند. چراکه علاقه به مرگ نشانه و شاخصه ایمان و وسیله آزمایش خداوند است. نشانه‌های مؤمنان، پیشتازی در راه حق، صرف مال و جان در آن است؛ وگرنه مؤمنان، کافران و منافقان در اقامه نماز و پرداخت زکات اشتراک دارند. مؤمن در انتظار دو سرانجام است: زندگی سعادت‌مندانه یا مرگ شرافتمندانه.

ترس از مرگ، مسلمانان را از انجام و اقدام برای عمل بازمی‌دارد باوجود آنکه آن‌ها باور به عدالت خداوند، وعده و وعیدهای او، امید به ثواب و خشیت از عقاب و اعتقاد به روز جزا دارند.

هرکس تصور کند ایمان با جبن جمع‌شدنی است، خود را فریب داده است؛ چراکه از یک‌سو مؤمنان یقین دارند، اجل به دست خداوند است و ازسوی دیگر هر بخش از دین اسلام شجاعت و اقدام را به تصویر می‌کشد و ستون آن بر پایه اخلاص به خداست. برای درمان این آسیب علما بایستی با امر به معروف و نهی از منکر این مطلب را برای مسلمانان یادآوری کنند. امید است که عزت و شکوه آن‌ها بازگردد (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳، صص ۲۲۳-۲۲۶).

ج. ناچیز شمردن و انکار ارزش اعمال والا

انسان به‌صورت فطری میل و علاقه به ارزشمند دانستن فضایل و مدح راستین دارد. آیاتی از قرآن نیز مدح و ستایش حق را تأیید می‌کند. در بخشی از قرآن خداوند بر پیامبر (ص) خود منت گذاشته و می‌فرماید: «وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ» (شرح: ۴) و در بخشی دیگر پروردگار یکتا اجازه داده است که از نعمت اعمال نیکو سخن گویند و درباره پیامبر چنین می‌فرماید: «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» (ضحی: ۱۱).

انحراف از این میل در یک امت، آن را از اساس سرنگون می‌سازد. اگر در یک امت خوبی و بدی، فضیلت و رذیلت، صلاح و فساد یکسان باشد، افراد امت ارزش‌های اعمال والا را ناچیز شمرده و انکار نمایند، همت‌ها و تلاش برای مصالح عمومی امت به سستی می‌گراید، افراد امت پراکنده شده و سرنگون می‌گردد. بی‌شک تحقیر کردن فضایل انحطاط امت را به همراه خواهد داشت از آن‌رو که این امر نوعی کفران نعمت است و کفران نعمت، سبب فنا و نابودی نعمت می‌شود (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳، صص ۱۸۱-۱۸۵).

د. تعصب افراطی و تفریطی

تعصب معتدل از اسباب وحدت و کمال در امت‌هاست. تعصب صحیح از نگاه نویسنده بر دو شرط استوار است. یکی آنکه بنیان آن براساس عقاید و دین و نه نسب یا ملیت بنیان نهاده شود. حدیث پیامبر (ص) «لَيْسَ مِنَّا مَنْ دَعَا إِلَى عَصِيَّةٍ» (جمیل، صدقی محمد و ابوداود، سلیمان بن اشعث، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۲۱۸۰) شاهد بر بازدارندگی اسلام از تعصب بر پایه نژاد و ملیت است. دیگر آنکه به اعتدال باشد و افراط و تفریط در آن راه نیابد. چنین می‌نماید در اندیشه نویسنده فراز «اتَّبِعُوا مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَ لَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ» (اعراف: ۳) در آغاز مقاله نشان از تعصب معتدل در دین اسلام دارد و مسلمانان را از نزدیک ساختن به بیگانگان بازمی‌دارد.

تعصب هنگام خارج شدن از اعتدال، از موانع دستیابی امت به کمال است، چراکه افراط در آن ظلم و تفریط در آن سستی، تفرقه و مساعد شدن زمینه برای تجاوز بیگانگان را به همراه دارد. مسلمانان نخستین با نهادهای این صفت، نظام شکوهمند و قدرتمند داشتند؛ اما مسلمانان معاصر با دوری از آموزه‌های دین اسلام به تفرقه مبتلا شده و درباره سرنوشت یکدیگر بی‌اعتنا هستند.

گروهی از زندیق‌های به‌ظاهر مسلمان تعصب دینی را عامل ضعف، سستی، مانع کمال، حجاب علم و معرفت و سبب افتادن در تاریکی جهل معرفی می‌کنند، درحالی‌که دین اولین معلم انسان، رهنماترین استاد و پیشوای نفس است که انسان را به آداب حسنه و اخلاق کریمه دعوت کرده و آن را به اعتدال می‌آورد. دولت‌های غربی از جمله انگلیس و فرانسه به‌خوبی از اهمیت این صفت آگاه هستند و تمام تلاش خود را برای از بین بردن تعصب دینی میان مسلمانان به کار گرفته‌اند و آن را امری زشت و سبب عقب‌افتادگی و مانع علم‌آموزی معرفی می‌کنند. برخی نیز با اندیشه نیچریه در لباس مسلمان آموزه‌های غربیان میان امت مسلمان را اشاعه می‌دهند. مسلمانان نباید فریب بخورند و تلاش در پیوند براساس دین و رعایت عدالت داشته باشند (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ج، صص ۱۳۱-۱۳۹).

۲-۲-۴. ضعف و سستی

ضعف و سستی و بی‌توجهی به برتری‌جویی رکن دوم انحطاط امت‌هاست. اهمال از آمادگی دفاعی و نظامی با توجه به مقتضیات زمان، از مؤلفه‌های رفتاری ضعف و سستی است و زمینه را برای ورود بیگانگان مهیا می‌سازد (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳الف، صص ۲۰۳-۲۰۴).

نویسنده با بیان فراز «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال: ۶۰) آموزه دین اسلام درباره کسب قدرت و آمادگی دفاعی و چگونگی عملکرد مسلمانان و مسیحیان پیشین و معاصر خود را درباره این آموزه شرح می‌دهد و این‌گونه سبب شرایط آشفته و روبه‌انحطاط مسلمانان را در دوری از آموزه‌های دین تحلیل می‌کند. در باور او آگاهان از آموزه‌های دین اسلام تصور می‌کنند مسلمانان در کسب قدرت و اختراع آلات جنگی از سایر ملت‌ها پیشی گرفته‌اند، اما عملکرد مسلمانان رنگی از این آموزه‌ها ندارد. سستی آن‌ها را فراگرفته و بیگانگان به دلیل نداشتن آلات و فنون نظامی بر آن‌ها چیره شده‌اند (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ه، صص ۱۱۶-۱۲۱).

۴-۲-۳. انحراف از مسیر اعتدال

سید جمال با استناد به آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل: ۹۰) ستم در اعتدال و انحراف از مسیر استقامت را سبب انحطاط و فروپاشی در همه نظام عالم معرفی می‌کند. واگذاری امور به کسانی که آن عمل را به‌درستی انجام نمی‌دهند و قرار دادن اشیا در غیر جایگاه خود از مصادیق ظلم و انحراف از مسیر اعتدال است که سبب ستم و اختلال در نظم می‌شود (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ الف، ص ۲۰۴).

۴-۲-۴. اعتماد و تکیه بر بیگانگان (بطانۀ نااهل)

اعتماد و تکیه به بیگانگان هم به‌عنوان زمینه‌ای مستقل در انحطاط امت‌ها قابل بررسی است و هم از مؤلفه‌های انحراف از مسیر اعتدال است که اختلال در امور و فساد را به همراه دارد. قرآن در آیات «لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ» (ممتحنه: ۱) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَيْشُكُمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ» (آل عمران: ۱۱۸) بشر را از این امر باز می‌دارد (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ الف، ص ۲۰۱ و ۲۰۴).

آیات «هَا أَنْتُمْ أَوْلَاءُ تُحِبُّوهُمْ وَ لَا يُحِبُّونَكُمْ» «إِنْ تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَ إِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا» (آل عمران: ۱۱۹-۱۲۰) از چگونگی عملکرد بیگانگان و نیت‌های پلیدانه آن‌ها پرده برمی‌دارد. واگذاری امور حساس و سرنوشت‌ساز به بیگانگان اشتباهی جبران‌ناپذیر است. آن‌ها حتی در صورت برخورداری از صداقت به دلیل نداشتن ارتباط عاطفی با ملت، همانند اجیر به میزان دریافت دستمزد، فعالیت می‌کنند. نیت‌های پلیدانه آن‌ها سبب می‌شود ملت، ولایت بیگانگان را بپذیرند و به این وسیله جامعه را به انحطاط خواهند کشاند (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ ط، صص ۱۷۸-۱۷۹).

سید جمال مقاله «ماضی الامة و حاضرها و علاج عللها» را با آیه «سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ يَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (احزاب: ۶۲) آغاز می‌کند. گویی این موضوع را از سنت‌های ثابت الهی می‌داند که در همه زمان‌ها جریان دارد. مطالعه و مشاهده تاریخ نیز حکایت از جریان یافتن این سنت الهی دارد. تجربه و حوادث گذشته نشان می‌دهد که کسانی که از امت‌های بیگانه پیروی و تقلید می‌کنند، راه را برای نفوذ آن‌ها هموار می‌سازند و سبب خواری و هلاکت قوم خود می‌گردند

(اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ع، صص ۱۱۱-۱۱۳).

سید جمال حکمای اسلامی روزگار خود را به بوتۀ نقد می‌کشاند، چراکه امور خود را در نوشتن، اداره و حمایت از ملت به بیگانگان سپرده و تسلیم آن‌ها شده‌اند و از آن‌ها می‌خواهد به‌سوی فرزندان ملت و برادران دینی خود بشتابند و از سنت‌های الهی که هماهنگ با فطرت انسان است، تبعیت کنند (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ط، صص ۱۷۶-۱۷۸).

۵-۲-۴. کوتاهی در عمل

کوتاهی در عمل و بی‌اعتنایی افراد در برابر وضعیت‌های بحران هم نشانه بی‌ایمانی، هم از زمینه‌های مهم انحطاط امت‌هاست. آیاتی که سید جمال برای بیان این موضوع از آن بهره می‌برد می‌توان در سه گونه جای داد.

نخست آیاتی که از اهمال افراد بی‌ایمان برای حضور در جهاد سخن می‌گوید. براساس آیات «لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ» (توبه: ۴۴) «إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ اتَّبَعَتْ قُلُوبُهُمْ فُتُورَهُمْ فِي رَبِّهِمْ يَزِيدُهُمْ» (توبه: ۴۵) کوتاهی در عمل و انجام وظایف و اجازه گرفتن برای بذل مال و جان در راه ایمان از بی‌ایمانی و سستی اراده‌ها و عزم‌ها سرچشمه می‌گیرد (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ز، ص ۱۹۷).

گونه دیگر آیاتی هستند که از گروهی با نام «قاعدين»^۱ یاد می‌کنند. نویسنده مسلمانان را از عملکرد قاعدین برحذر می‌دارد. آن‌ها کسانی هستند که در عمل کوتاهی می‌کنند و آیات «وَلَوْ أُرَادُوا الْخُرُوجُ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً وَ لَكِنْ كَرِهَ اللَّهُ انْبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَ قِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ» (توبه: ۴۶) «رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَ طُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ» (توبه: ۸۷) به آن‌ها اشاره دارد.

گونه سوم آیاتی هستند که انسان را به عمل فرامی‌خوانند. بر پایه نگاشته سید جمال برای برون‌رفت از شرایط انحطاط مسلمانان، گریه، تأسف و حزن سودی ندارد، بلکه عمل، کلید نجات و راستی و اخلاص، کلید رستگاری است و آیه «وَلَوْ أَعْمَلُوا فَمَا يَرْزَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ

۱. سید جمال با اشاره به آیه ۴۶ سورة توبه از گروهی به نام قاعدین یاد می‌کند که در عمل کوتاهی می‌ورزند و توصیف آن‌ها در آیه مورد نظر آمده است.

سَرُّدُونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَبَيَّنْتُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (توبه: ۱۰۵) را شاهد بر این سخن می‌آورد (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳و، ص ۱۶۲).

۴-۲-۶. عمل‌گرایی منفی

چنین می‌نماید که سید جمال از یک سو امت را یک مجموعه هارمونیک می‌داند که عملکرد هر فرد بر سایر افراد و سعادت یا انحطاط امت اثربخش است و ازسویی دیگر در باور او خداوند بر هر فردی در امت نقش و رسالتی نهاده است که انجام آن در ساحت شخصی سعادت دو سرا را برای آن فرد به همراه دارد و در ساحت جمعی قدمی در جهت دستیابی امت به کمال خواهد شد. اگر افراد در شهوات زیاده‌روی و اسراف نمایند و نعمت‌های الهی را پاس ندارند، از رسالت خود بازمی‌مانند. آثار نافرجام اعمال آن‌ها، نه تنها زندگی شخصی آن‌ها، بلکه اطرافیان آن‌ها را نیز فرا خواهد گرفت و در دنیا و آخرت به زیان مبتلا خواهند شد.

قرآن از گروهی با نام «مُتَرَفِّينَ» یاد می‌کند که احوال آن‌ها را در آیات «وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطُرَتْ مَعِيشَتُهَا فَبَلَكَ مَسَاكِينُهُمْ لَمْ يَسْكُنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَ كُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵۸) «حَتَّى إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِمْ بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْأَرُونَ» «لَا يَجْأَرُوا الْيَوْمَ إِنَّكُمْ مِنْهُ لَا تَنْصُرُونَ» (مؤمنون: ۶۴-۶۵) «ذَلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ بِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ» (غافر: ۷۵) بازگو می‌کند و بزرگ‌ترین عبرت برای بشر است. در این آیات از عواقب مترفین سخن رفته است که رسالت خود را بازیچه قرار داده‌اند. آن‌ها افرادی هستند که با فساد اخلاق و انحراف از سنن حق آثار منفی برای جامعه بر جای می‌گذارند.

نویسنده در ادامه این بحث از آیه «وَ مَنْ أَغْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى» (طه: ۱۲۴) بهره می‌برد. گویی او فرمان به عبرت از آیات مترفین را از مصادیق ذکر می‌داند که انحراف از آن سبب تنگی در زندگی دنیا و نابینایی در قیامت می‌شود (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳الف، ص ۲۰۲).

۴-۲-۷. استبداد رأی و خودداری از مشورت

خداوند در آیه «وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران: ۱۵۹) به پیامبر خود باوجود آنکه معصوم از اشتباه است، مشورت را می‌آموزد و به آن ارشاد می‌کند. در آیه «وَ أَمُرْهُمْ سُورَى بَيْنَهُمْ» (شوری: ۳۸) مؤمنان

را برای استفاده از مشورت مدح و ستایش می‌کند. سید جمال با اشاره به این آیات استبداد در رأی و اجتناب از مشورت را از عوامل انحطاط امت‌ها به شمار می‌آورد. اهمیت مشورت در نگاه سید جمال برای کسانی که مسئولیت دارند، افزون‌تر است (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ الف، ص ۲۰۴).

۳-۴. زمینه‌های تبلیغی و توسعه‌ای

همه افراد در انحطاط یا کمال جامعه نقش ایفا می‌کند اما حاکمان، مبلغان و حاملان دین نقش فزون‌تری دارند و نقش آن‌ها از زمینه‌های تبلیغی و توسعه‌ای به شمار می‌آید.

۱-۳-۴. کوتاهی پیشوایان و حاملان دین

در منظومه فکری سید جمال هدف از تفسیر قرآن تربیت است و از لوازم بایسته تربیت، فرد یا افراد حکیم و باطهارتی هستند که خود بر آموزه‌های دینی احاطه دارند و آن را به سایر افراد می‌آموزند (اسدآبادی، ۱۴۲۳ ه، ص ۱۹۰). آیات «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۱۰۴) «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ «الْمُؤْمِنِينَ» طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (توبه: ۱۲۲) به نقش اساسی علما در کمال امت‌ها اشاره دارد. دین پایه و اساس اعتدال در اصول اخلاقی را پی‌ریزی می‌کند و ژوئن‌ها را به زینت فضایل آراسته می‌سازد. تحقق این مهم هنگامی است که پیشوایان و حامل دین نقش و رسالت خود را به‌درستی سامان دهند. یعنی اوامر و نواهی دین را تبیین و در عقل‌ها تثبیت نمایند. آن هنگام مردم را به عمل فراخوانند، غافلان را هشدار داده و هدایت آن را به فراموش‌کاران یادآوری کنند. کوتاهی آن‌ها علت مبتلا شدن مردم به رذایل و سرانجام نابودی ملت‌هاست (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ ان، صص ۱۵۴-۱۵۵).

در منظومه فکری سید جمال عالم بایسته‌هایی در ساحت‌های اندیشه، صفات اخلاقی و فعالیت‌های اجتماعی دارد که نبود هرکدام از آن‌ها امت را با چالش مواجه می‌سازد. در باور او عالمان همان راسخان، روح و فرماندهان امت محمدی، انماءالدین، حاملان عرش و اوصیای خدا بر مؤمنان هستند که پرچم اسلام را برافراشته می‌سازند (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ الف، صص ۲۰۴-۲۰۵). عالم در ساحت اندیشه بایستی حکیم، خبر، صاحب عقل، دارای پختگی سن (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ ح، ص ۱۲۶؛ اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ ال، ص ۱۴۶؛ اسدآبادی و عبده،

۱۴۲۳ک، ص ۲۱۶؛ اسدآبادی، ۱۴۲۳ه، ص ۱۹۱) و یادگیرنده علوم به صورت کاربردی باشد. او علمای زمان خود را به دلیل یادگیری غیرکاربردی علوم به بوته نقد می‌کشد که علوم مورد نیاز را می‌آموزند، اما از غایت و هدف علوم بی‌بهره‌اند. مسلمان علم نحو می‌آموزند، اما بر صحبت کردن، نوشتن و فهم مطالب عربی توانایی ندارند؛ درحالی‌که غایت و هدف علم نحو توانایی بر این امور است. علم معانی و بیان برای آن است که فراگیرنده آن خطیب و شاعر گردد، اما فراگیران این علم در میان مسلمانان بهره‌ای از این غایت نبرده‌اند. هدف از یادگیری علم منطق شناخت حق از باطل است؛ اما باوجود رواج این علم، خرافات در میان علمای مسلمانان رواج بسیار دارد. علم حکمت بایستی به فراگیرنده توانایی دهد تا اسباب، علل، لوازم و ملزومات موجودات خارجی را بیابد؛ درحالی‌که حکمای مسلمانان از این امور غافل‌اند. (اسدآبادی، ۱۴۲۳ه، بخش تعلیم و تعلم، ص ۱۳۲). از دیگر بایسته‌های عالم خبره تام بودن است؛ چراکه خبره تام نبودن، ممکن است نابودی و مرگ امت را به همراه داشته باشد (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ع، ص ۱۰۹).

در ساحت صفات اخلاقی بایستی مؤمن و صاحب طهارت (تقوا) باشد. در ساحت فعالیت‌های اجتماعی بایستی آگاه به مسائل اجتماع، مجدد، دارای انگیزه اصلاح، عامل نجات مسلمانان از انحطاط، آشنا با مسائل غرب و شرق و تجربه زیاد باشد. او باید مردم را با آموزه‌های دین اسلام بیدار سازد، روح امید را در آن‌ها زنده نگه دارد و به آن‌ها انگیزه دهد (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ح، ص ۱۲۶؛ اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ال، ص ۱۴۶؛ اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ک، ص ۲۱۶؛ اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳الف، صص ۲۰۴-۲۰۵).

اسدآبادی مفسر قرآن را نیز از عالمانی به شمار می‌آورد که می‌تواند در قالب تفسیر قرآن مسلمانان را از چالش انحطاط رها سازد و مشکلات مسلمانان را در حوزه‌های گوناگون از میان بردارند. از این نوع تفسیر امروزه با عناوین عصری، اجتماعی و هدایتی و تربیتی یاد می‌شود، در اصل و چگونگی تفسیر عصری میان دانشمندان این فن نظرات متعدد و گاه ناسازگاری وجود دارد.

اندیشه همسانی عالم و مفسر سید جمال را بر آن داشت که هنگام انتشار اخبار تفسیر سید احمد خان برای همراهی و اصلاح شرایط مسلمانان به سوی او بشتابد. او هنگام آشنایی با آن تفسیر و نیافتن مؤلفه‌های تفسیر و مفسر مطلوب، به نقد آن همت می‌گمارد و درمی‌یابد که نه این

تفسیر برای اصلاح مسلمانان نوشته شده و نه آن مفسر مصلح است. هدف از نوشتن این تفسیر از بین بردن اعتقادات مسلمانان و خدمت به بیگانگان است و در این زمان که مسلمانان در بحران به سر می‌برند بیماری خطرناکی است و به سقوط جامعه یاری می‌رساند (اسدآبادی، ۱۴۲۳، صص ۱۹۱-۱۹۶).

بنا بر آنچه گذشت عالم و مفسر قرآن در نگاه سید جمال نقش بنیادین در کمال یا انحطاط امت‌ها دارد و تنها یک نظریه‌پرداز، مصلح و تبیین‌گر باورها نیست، بلکه در ساحت‌های گوناگون اندیشه، رفتار و تربیت و اجتماع وارد می‌شود و با آشنایی با چالش‌های روز به حل آن همت می‌گمارد. وارد نشدن عالم در هریک از این ساحت‌های سه‌گانه امت را با چالش مواجه ساخته و مانعی برای کمال و ترقی امت است، این خطر تا جایی است که می‌تواند انحطاط را برای امت رقم زند.

۴-۳-۲. تعدد حکومت‌ها و حاکمان بی‌تدبیر

تعدد حکومت‌ها و حاکمان بی‌تدبیر هم از زمینه‌های توسعه‌ای انحطاط امت‌ها هستند، هم از مقتضیات مهم اختلاف و تفرقه میان مسلمانان. حاکمان بی‌تدبیر تنها در پی انگیزه‌های شخصی خود هستند. این‌گونه فرمانروایان سبب شدند، امت مسلمان از آموزه‌های دین اسلام همچون رها کردن ولایت بیگانگان و تلاش برای برتری بر سایر ملت‌ها فاصله گیرند، درحالی‌که عقاید اسلامی مالکِ قلب‌های مسلمانان و حاکم اراده‌های آنان است.

آموزه‌های دین اسلام ملیتی برای مسلمانان به‌جز دین به رسمیت نمی‌شناسد؛ باوجوداین حاکمان متعدد با اهداف و انگیزه‌های گوناگون بر مسلمانان حکومت می‌کنند که سبب تفرقه و گاهی دشمنی میان مسلمانان می‌شود (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳، صص ۱۵۹-۱۶۰).

نتیجه‌گیری

در اندیشه سید جمال‌الدین اسدآبادی از یک‌سو خداوند با جاری ساختن سنت‌های خود در میان افراد امت، کمال یا انحطاط را برای آن‌ها رقم می‌زند. در باور او قوانین و سنت‌های الهی بر تمدن‌ها حاکم است و چگونگی عملکرد افراد و جوامع سبب می‌شود، سنت‌های الهی در کمال یا انحطاط تمدن‌ها در میان جوامع جریان یابد. او تلاش می‌کند بر پایه آیات قرآن قوانین کلی برای

کمال یا انحطاط تمدن‌ها بیابد و برای خروج مسلمانان از وضعیت روبه‌انحطاط راهکار ارائه دهد.

از دیگر سو انحطاط یا کمال امری جبری نیست و افراد با انتخاب اندیشه‌ها و رفتار نقش بنیادی و زیربنایی دارند. در نگاه او چگونگی عملکرد افراد اعم از عالمان، حاکمان و مردم عادی، چگونگی کمال یا انحطاط امت‌ها را رقم خواهد زد. همه افراد در صورت کوتاهی در وظایف خود جامعه را به‌سوی انحطاط هدایت می‌کند، ولی برخی همانند حاملان دین و حاکمان نقش فزون‌تر و حیاتی‌تری دارند.

سید جمال بر آن است که باور به دین برتر یعنی اسلام و پایبندی به اصول و فرامین آن، راه استوار آگاهی از قوانین و سنت‌های خداوند برای تعالی یا سقوط تمدن‌هاست و همچنین امت را به‌سوی کمال هدایت می‌کند. برخورداری از عقلانیت، حکمت، امید در حوزه اندیشه و دستیابی به فضایل در ساحت فردی و اجتماعی در حوزه صفات و رفتار در سایه آگاهی، باور و عمل به اسلام پدید می‌آید، بدین سان نصرت خداوند شامل امت شده و وعده‌های امیدبخش الهی تحقق می‌یابد. این فرایند، تعالی را به همراه دارد.

همچنین دوری از باورها و آموزه‌های دین از سوی انسان از ارکان انحطاط امت‌هاست. به دلیل آنکه دوری از آموزه‌های دین و ماده‌گرایی سبب فاصله از عقلانیت، حکمت، ناامیدی و آلودگی به رذایل اخلاقی در ساحت‌های فردی و اجتماعی می‌شود. این فرایند نه تنها خود سببی اساسی در انحطاط تمدن‌هاست و شالوده حرکت به‌سوی تعالی در تمدن‌ها را فرومی‌ریزد، بلکه عاملی است که سنت تغییر خداوند از شرایط مطلوب به‌سوی شرایط نامطلوب را در میان امت جاری می‌سازد و انحطاط تمدن‌ها را به دنبال دارد. او در نگاشته‌های گوناگون خود شرایط آشفته و روبه‌انحطاط مسلمانان را به تصویر می‌کشد و سبب اصلی آن را در دوری از اصول و آموزه‌های اسلام و وقوع بدعت که اصلی در دین ندارد، تحلیل می‌کند و مسلمانان روزگار خود را از مصادیقی می‌داند که سنت تغییر بر آن‌ها جاری شده است. این امر نشان می‌دهد که سید جمال باور دارد انحطاط امری درونی و اعتقادی و فرهنگی است.

منابع

- قرآن کریم

- ابوداود، سلیمان بن اشعث (۱۴۲۰). سنن أبی داود. بیروت: دارالفکر.
<https://noorlib.ir/book/view/33518>
- اسدآبادی، جمال‌الدین (۱۴۲۳ الف). الإعجاز فی الإيجاز منبر الخطبة صوت التعليم و الإيقاظ (خاطرات جمال‌الدین الحسینی الأفغانی «آراء و افکار»، ویراستار هادی خسروشاهی، محمدپاشا مخزومی، قاهره: مکتبه الشروق الدولية.
- اسدآبادی، جمال‌الدین (۱۴۲۳ ب). الاعجاز فی ايجاز منبر الخطبة صوت التعليم و الايقاظ (خاطرات جمال‌الدین الحسینی الأفغانی «آراء و الافکار»، ویراستار هادی خسروشاهی، محمدپاشا مخزومی، قاهره: مکتبه الشروق الدولية.
- اسدآبادی، جمال‌الدین (۱۴۲۳ ج). دربارهٔ دین و فلسفه (مجموعه رسائل و مقالات). به کوشش هادی خسروشاهی. قاهره: مکتبه الشروق الدولية.
- اسدآبادی، جمال‌الدین (۱۴۲۳ د). رسالهٔ تفسیر مفسر (مجموعه رسائل و مقالات). به کوشش هادی خسروشاهی. قاهره: مکتبه الشروق الدولية.
- اسدآبادی، جمال‌الدین (۱۴۲۳ ز). منافع الوفاق و مضار الشقاق (الرسائل و المقالات فی فلسفه و عرفان). به کوشش هادی خسروشاهی. قاهره: مکتبه الشروق الدولية.
- اسدآبادی، جمال‌الدین (۱۴۲۳ و). مسائل دربارۀ تعلیم و تربیت (مجموعه رسائل و مقالات). به کوشش هادی خسروشاهی. قاهره: مکتبه الشروق الدولية.
- اسدآبادی، جمال‌الدین (۱۴۲۳ هـ). رسالهٔ نیچریه در حقیقت مذهب نیچری و بیان حال نیچریان (مجموعه رسائل و مقالات). به کوشش هادی خسروشاهی. قاهره: مکتبه الشروق الدولية.
- اسدآبادی، جمال‌الدین، و عبده، محمد (۱۴۲۳ الف). اسباب الحفظ الملك (عروة الوثقی). به کوشش هادی خسروشاهی. قاهره: مکتبه الشروق الدولية.
- اسدآبادی، جمال‌الدین، و عبده، محمد (۱۴۲۳ ب). الأمل و طلب المجد (عروة الوثقی). به کوشش هادی خسروشاهی. قاهره: مکتبه الشروق الدولية.
- اسدآبادی، جمال‌الدین، و عبده، محمد (۱۴۲۳ ج). التعصب (عروة الوثقی). به کوشش هادی خسروشاهی. قاهره: مکتبه الشروق الدولية.

- اسدآبادی، جمال‌الدین، و عبده، محمد (۱۴۲۳ح). *انحطاط المسلمین و سکونهم و سبب ذلک* (عروۃ الوثقی). به کوشش هادی خسروشاهی. قاهره: مکتبه الشروق الدولية.
- اسدآبادی، جمال‌الدین، و عبده، محمد (۱۴۲۳د). *الجبن* (عروۃ الوثقی). مکتبه الشروق الدولية.
- اسدآبادی، جمال‌الدین، و عبده، محمد (۱۴۲۳ز). *امتحان الله للمؤمنین* (عروۃ الوثقی). به کوشش هادی خسروشاهی. قاهره: مکتبه الشروق الدولية.
- اسدآبادی، جمال‌الدین، و عبده، محمد (۱۴۲۳ص). «وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ» (عروۃ الوثقی). به کوشش هادی خسروشاهی. قاهره: مکتبه الشروق الدولية.
- اسدآبادی، جمال‌الدین، و عبده، محمد (۱۴۲۳ط). *رجال الدولة و بطانة الملك* (عروۃ الوثقی). به کوشش هادی خسروشاهی. قاهره: مکتبه الشروق الدولية.
- اسدآبادی، جمال‌الدین، و عبده، محمد (۱۴۲۳ع). *ماضی الامة و حاضرها و علاج عللها* (عروۃ الوثقی). به کوشش هادی خسروشاهی. قاهره: مکتبه الشروق الدولية.
- اسدآبادی، جمال‌الدین، و عبده، محمد (۱۴۲۳ف). *وَلَا تُكُونُوا كَالَّذِينَ تَعْرِفُوا وَ اخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ* (عروۃ الوثقی). به کوشش هادی خسروشاهی. قاهره: مکتبه الشروق الدولية.
- اسدآبادی، جمال‌الدین، و عبده، محمد (۱۴۲۳ک). *سنن الله فی الامم و تطبیقها علی المسلمین* (عروۃ الوثقی). به کوشش هادی خسروشاهی. قاهره: مکتبه الشروق الدولية.
- اسدآبادی، جمال‌الدین، و عبده، محمد (۱۴۲۳ل). *قضا و قدر* (عروۃ الوثقی). به کوشش هادی خسروشاهی. قاهره: مکتبه الشروق الدولية.
- اسدآبادی، جمال‌الدین، و عبده، محمد (۱۴۲۳م). *کم حکمة الله فی حب المحمده الحقة* (عروۃ الوثقی). به کوشش هادی خسروشاهی. قاهره: مکتبه الشروق الدولية.
- اسدآبادی، جمال‌الدین، و عبده، محمد (۱۴۲۳ن). *لفضائل و الرذائل و اثرهما* (عروۃ الوثقی). به کوشش هادی خسروشاهی. قاهره: مکتبه الشروق الدولية.
- اسدآبادی، جمال‌الدین، و عبده، محمد (۱۴۲۳و). *الوحدة الاسلامية* (عروۃ الوثقی). به کوشش هادی خسروشاهی. قاهره: مکتبه الشروق الدولية.

- اسدآبادی، جمال‌الدین، و عبده، محمد (۱۴۲۳هـ). *النصرانیة و الاسلام و الهلها* (عروة الوثقی). به کوشش هادی خسروشاهی. قاهره: مکتبه الشروق الدولية.
- آقابخشی، علی‌اکبر، و افشاری‌راد، مینو (۱۳۸۳). *فرهنگ علوم سیاسی*. تهران: چاپار.
- بابایی، حبیب‌الله (۲۰۱۹). درآمدی بر «یأس» و «امید» در فرازوفروود تمدن اسلامی (رویکرد الهیاتی و تاریخی). *فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، ۲(۲)، ۲۰۵-۲۲۲.
<https://doi.org/10.22070/nic.2020.1093>
- جعفری موحد، حسین (۱۳۹۵). ریشه‌های انحطاط و توسعه جوامع اسلامی از دیدگاه سید جمال‌الدین اسدآبادی. *پانزده خرداد*، ۴۸(۱۳)، ۱۳۳-۱۶۲.
<https://noormags.ir/view/fa/articlepage/1365505>
- جهانبخش، ثواقب (۱۴۰۱). نظریه‌های انحطاط تمدن اسلامی. *نشریه جامعه‌شناسی تاریخی*، ۱۴(۱)، ۱۸۹-۲۳۶.
<http://dorl.net/dor/20.1001.1.23221941.1401.14.1.12.8>
- دانش‌کیا، محمدحسین (۲۰۲۳). سنت‌های پیدایی و پایایی تمدن از منظر قرآن. *فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، ۶(۱)، ۱۷۹-۲۰۶.
<https://doi.org/10.22070/nic.2023.17485.1226>
- رحیمی (روشن)، حسن، و رحمتی، سعید (۱۳۹۷). بررسی علل ضعف و انحطاط مسلمین از دیدگاه سید جمال اسدآبادی و میرزای نائینی. مقاله ارائه‌شده در سومین کنفرانس بین‌المللی مطالعات اجتماعی فرهنگی و پژوهش دینی. <https://civilica.com/doc/881697>
- صدر، محمدباقر (۱۴۰۹). *السنن التاريخية في القرآن* (ج ۱). بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
<https://noorlib.ir/book/view/3064>
- طیب حسینی، محمود (۱۳۹۶). *تفسیرشناسی: مبانی، منابع، قواعد، روش‌ها و گرایش‌ها*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- قدیمی قیداری، عباس (۱۳۹۰). سید جمال‌الدین اسدآبادی و رویکردهای تازه‌تر به تاریخ و تاریخ‌نویسی. *فصلنامه پژوهشنامه تاریخ اسلام*، (چهارم)، ۱۳۳-۱۵۲.
<http://journal.isihistory.ir/article-1-61-fa.html>
- کافی، مجید (۱۳۸۸). *نظریه انحطاط و اصول شش‌گانه انسانی از نظر سید جمال‌الدین اسدآبادی*. *اسلام و علوم اجتماعی*، ۱(۱)، ۴۹-۸۴.
https://soci.rihu.ac.ir/article_961.html

- کدی، نیکی (۱۳۹۶). واکنشی اسلامی به امپریالیسم: بررسی اندیشه‌های سیاسی و مذهبی سید جمال‌الدین اسدآبادی، ترجمه مریم‌السادات سید کریمی، تهران: صمدیه.
- محمد، رشیدرضا (۱۴۱۴). تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار (ج ۱-۱۲). قاهره: دارالمعرفة.
- مظاهری، ابوذر (۱۳۹۳). افق تمدنی آینده انقلاب اسلامی. اصفهان: آرما.
- مظاهری، ابوذر، و پیشوایی، محمدهادی (۲۰۱۹). تلقی غلط از جاهلیت در نو سلفیه و نقش آن در عدم فهم تمدن اسلامی. فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، ۲(۱)، ۲۳۸-۲۱۱.
<https://doi.org/10.22070/nic.2019.903>
- موثقی، احمد (۱۳۷۳). علل و عوامل ضعف و انحطاط مسلمین در اندیشه سیاسی و آراء اصلاحی سید جمال‌الدین اسدآبادی. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

References

- Holy Quran
- Aghabakhshi, A., & Afsharirad, M. (2004). *Political science culture*, Tehran: Chpar [In Persian].
- Asadabadi and Mirzai Naini. The article presented at the third international conference of socio-cultural studies and religious research .
<https://civilica.com/doc/881697> [In Persian].
- Asadabadi, J. (2002). *Al-Ijaz in Al-Ijaz from the pulpit of the sermon, the sound of teaching and Iqaaz* (Memoirs of Jamal al-Din al-Husseini al-Afghani (Opinions and Thoughts). (Hadi Khosrowshahi, Mohammad Pasha Makhzoumi, Ed.) Cairo: Al-Sharrooq International School.
- Asadabadi, J. (2002). *Tafsir Mafsir treatise* (a collection of treatises and essays). (Hadi Khosrowshahi, Ed.). Cairo: Al-Sharrooq International School.
- Asadabadi, J. (2002). *Nicheriyeh's treatise on the truth of the Nicherian religion and the state of the Nicherians* (a collection of treatises and articles). (Hadi Khosrowshahi, Ed.). Cairo: School of Al-Sharooq al-Dawliyyah.
- Asadabadi, J. (2002). *The benefits of al-Wafaq and the harm of al-Shaqaq* (messages and essays in philosophy and mysticism). (Hadi Khosrowshahi, Ed.). Cairo: Al-Sharrooq International School.

- Asadabadi, J. (2002). *Issues about education and training* (a collection of letters and articles). (Hadi Khosrowshahi, Ed.). Cairo: School of Al-Sharooq al-Dawliyyah.
- Asadabadi, J. (2002). *Al-Ijaz fi Ijaz al-Khattab*, Sound of Teaching and Al-Iqaz (Memoirs of Jamal al-Din al-Husseini al-Afghani (opinions and thoughts)), (Hadi Khosrowshahi, Mohammad Pasha Makhzoumi, Ed.). Cairo: El-Sharrooq International School.
- Asadabadi, J. (2002). *About religion and philosophy* (a collection of essays and articles). (Hadi Khosrowshahi, Ed.). Cairo: School of Al-Sharooq al-Dawliyyah.
- Asadabadi, J., & Abdo, M. (2002). *"And whoever misleads Allah, then there is no guide for him"* (Urwa al-Wuthqa). (Hadi Khosrowshahi, Ed.). Cairo: Al-Sharrooq International School.
- Asadabadi, J., & Abduh, M. (2002). *Ashab al-Hafz al-Mulk* (Urwa al-Wuthqa). (Hadi Khosrowshahi, Ed.). Cairo: Al-Sharrooq International School.
- Asadabadi, J., & Abduh, M. (2002). *For virtues and vices and their effects* (Urwa al-Wuthqa). (Hadi Khosrowshahi, Ed.). Cairo: School of Al-Sharooq al-Dawliyyah.
- Asadabadi, J., & Abduh, M. (2002). *God's lack of wisdom in the love of Muhammad al-Haqq* (Hadi Khosrowshahi, Ed.). Cairo: School of Al-Sharooq al-Dawliyyah.
- Asadabadi, J., & Abduh, M. (2002). *Past and present symptoms and treatment of causes* (Urwa al-Wuthqa). (Hadi Khosrowshahi, Ed.). Cairo: School of Al-Sharooq al-Dawliyyah.
- Asadabadi, J., & Abduh, M. (2002). *Rizal al-Dawla and al-Batan al-Mulk* (Urwa al-Wuthqa). (Hadi Khosrowshahi, Ed.). Cairo: School of Al-Sharooq al-Dawliyyah.
- Asadabadi, J., & Abduh, M. (2002). *Allah's Test for the Believers* (Hadi Khosrowshahi, Ed.). Cairo: School of Al-Sharooq al-Dawliyyah.
- Asadabadi, J., & Abduh, M. (2002). *Decline of the Muslims and their stagnation and the cause of zalak* (Urwa al-Wuthqa). Cairo: School of Al-Sharooq al-Dawliyyah.

- Asadabadi, J., & Abduh, M. (2002). *Nasraniyyah and Islam and the people* (Urwa al-Wuthqa). (Hadi Khoroshahi, Ed.). Cairo: School of Al-Sharooq al-Dawliyyah.
- Asadabadi, J., & Abduh, M. (2002). *Al-Wahda al-Islamiyyah* (Hadi Khosrowshahi, Ed.). School of Al-Sharooq al-Dawliyyah.
- Asadabadi, J., & Abduh, M. (2002). *Hope and desire for glory* (Urwa al-Wuthqa). (Hadi Khosrowshahi, Ed.). Cairo: School of Al-Sharooq al-Dawliyyah.
- Asadabadi, J., & Abduh, M. (2002). *Bigotry* (Hadi Khosrowshahi, Ed.). Cairo: Al-Sharooq International School.
- Asadabadi, J., & Abduh, M. (2002). *And don't be like those who split up and disagreed, after us came the proofs, and for them will be a great punishment* (Urwa al-Wuthqa). (Hadi Khosrowshahi, Ed.). Cairo: Al-Sharooq International School.
- Asadabadi, J., & Abduh, M. (2002). *The Sunan of Allah in the nations and the adaptations to the Muslims* (Urwa al-Wuthqa). (Hadi Khosrowshahi, Ed.). Cairo: School of Al-Sharooq al-Dawliyyah.
- Asadabadi, J., & Abduh, M. (2002). *Qada and Qadr* (Urwa al-Wuthqa). (Hadi Khosrowshahi, Ed.). Cairo: School of Al-Sharooq al-Dawliyyah.
- Babai, H. (2019). An introduction to "despair" and "hope" in the ups and downs of Islamic civilization (theological and historical approach). *Quarterly Journal of Fundamental Studies of Modern Islamic Civilization*, 2 (2), 205-222. <https://doi.org/10.22070/nic.2020.1093> [In Persian].
- Daneshkia, M. (2023). Traditions of the origin and reliability of civilization from the perspective of the Qur'an. *Quarterly Journal of Fundamental Studies of Modern Islamic Civilization*, 6 (1), 179-206. <https://doi.org/10.22070/nic.2023.17485.1226> [In Persian].
- Ghadimi Ghidari, A. (2011). Sayed Jamaluddin Asadabadi and newer approaches to history and historiography. *Pajoohehesh name-ye tarikhe Islam Quarterly research journal of Islamic history*, (fourth), 133-152. <http://journal.isihistory.ir/article-1-61-fa.html> [In Persian].
- Jafri Movahhed, H. (2016). the roots of decline and development of Islamic societies from the point of view of Sayed Jamaluddin Asadabadi. *Panzede Khordad*, 48(13), 133-162. <https://noormags.ir/view/fa/articlepage/1365505> [In Persian].

- Jahanbakhsh, S. (2022). Theories of the decline of Islamic civilization. *Journal of Historical Sociology*, 14(1), 189-236.
<http://dorl.net/dor/20.1001.1.23221941.1401.14.1.12.8> [In Persian].
- Jamil, S., & Abu Dawud, S. (1999). *Sunan Abi Dawood Dar al-Fakr*
<https://noorlib.ir/book/view/33518>
- Kafi, M. (2008). the theory of degeneration and the six human principles according to Seyyed Jamaluddin Asadabadi. *Islam and Social Sciences*, 1(1), 49-84. https://soci.rihu.ac.ir/article_961.html [In Persian].
- Keddie, N. (2017). *An Islamic response to imperialism: a study of the political and religious thoughts of Seyyed Jamaluddin Asadabadi*. (Trans: Marym Elsadat Seydkarimi). Tehran: Samadiyya.
- Mazaheri, A. (2014). *The future civilizational horizon of the Islamic revolution*. Esfahan: Arma.
- Mazaheri, A., & Peshwai, M. (2019). Misperception of Jahiliyyah in New Salafism and its role in the lack of understanding of Islamic civilization. *Quarterly Journal of Fundamental Studies of Modern Islamic Civilization*, 2(1), 211-238. <https://doi.org/10.22070/nic.2019.903> [In Persian].
- Movassaghi, A. (1994). the causes and factors of the weakness and degeneration of Muslims in the political thought and reform opinions of Seyyed Jamaluddin Asadabadi. Islamic culture publishing office
- Rahimi (Roshan), H., & Rahmati, S. (2018). Investigating the causes of weakness and degeneration of Muslims from the point of view of Sayed Jamal
- Reza, M. (1993). *Tafsir al-Qur'an al-Hakim, famous for Tafsir Al-Manar* (Chapter 1-12). Knowledgeable.
- Sadr, M. (1988). *Historical Sunnahs in the Qur'an* (Vol. 1). Dar Al-Ta'aruf Publications. <https://noorlib.ir/book/view/3064>
- Tayeb Hosseini, M. (2017). *Hermeneutics: basics, sources, rules, methods and tendencies*. (Research Institute of Islamic Sciences and Culture and Research Institute of Islamic Sciences and Culture. Research Institute of Quranic Culture and Education). Qom: Islamic Science and Culture Research Institute.